

چرا آمریکا اصرار دارد بگوید ایران در عملیات حماس، دخالتی ندارد؟

محمد مهدی غلامی



دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات
آمریکا دانشگاه جامع امام حسین (ع)

بعد از آغاز عملیات بزرگ و غافلگیرانه طوفان الاقصی، مقامات کاخ سفید تا امروز چندین مرتبه اعلام کرده اند که هیچ سندی از دخالت ایران در درگیری های کنونی میان مقاومت فلسطین و رژیم صهیونیستی وجود ندارد. در این یادداشت تحلیلی، به چرایی این موضوع پرداخته شده است.

پس از شروع عملیات طوفان الاقصی در سرزمین‌های اشغالی، بر خلاف اظهارات مقامات صهیونیست مبنی بر دست داشتن ایران در این جنگ، مقامات کاخ سفید از همان ابتدا مسئله دخیل بودن ایران در این جنگ را رد کردند. همچنین، پس از گذشت دو روز از شروع عملیات طوفان الاقصی، مقامات صهیونیست، اظهارات خود مبنی بر دست داشتن ایران در جنگ را تکرار نکردند.

اما چرا مقامات آمریکایی اصرار دارند تا دخالت ایران در این جنگ را منتفی بدانند؟ در این رابطه باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایالت متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌دانند که معرفی رسمی ایران به عنوان کشور پشت پرده حوادث فلسطین، آنها را ملزم به واکنش علیه ایران خواهد کرد؛ در حالی که آمریکا و رژیم صهیونیستی، به خوبی می‌دانند که در حال حاضر آن‌ها در وضعیتی قرار ندارند که بتوانند علیه ایران در منطقه اقدام نظامی انجام دهند؛ از این رو بهتر است که ایران به عنوان یک عامل دخیل معرفی نشود، در غیر این صورت، معرفی ایران به عنوان عامل اصلی و دخیل در جنگ کنونی، تبعات جدی در منطقه و جهان برای آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال خواهد داشت؛ چرا که در صورت عدم اقدام علیه ایران، بازدارندگی نظامی آمریکا در سطح بین‌المللی زیر سوال می‌رود و در صورت اقدام، احتمال شکل‌گیری یک جنگ منطقه‌ای بسیار بالا است.

۲. دولت بایدن قبل از شروع جنگ در فلسطین، اقدام به تبادل زندانیان و آزاد کردن پول‌های بلوکه

شده ایران کرده بود. منتقدان در آمریکا، دولت بایدن را متهم به این موضوع می‌کنند که ایران با پول‌های آزاد شده، اقدام به کمک به فلسطینیان برای حمله علیه رژیم صهیونیستی کرده است؛ به همین دلیل دولت بایدن با رد این موضوع در تلاش است تا این گونه نشان دهد که ایران هیچ نقشی در این جنگ ندارد حتی در حد پشتیبانی مالی.

۳. با توجه به تهدیدات اخیر رئیس موساد مبنی بر پاسخ به اقدامات ایران در تهران و همچنین اظهارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل، مبنی بر لزوم ایجاد یک تهدید هسته‌ای معتبر در مقابل ایران، آمریکایی‌ها در تلاش هستند تا از افزایش تنش مستقیم میان ایران و رژیم صهیونیستی جلوگیری کنند؛ چرا که در این صورت، یک درگیری گسترده منطقه‌ای شکل خواهد گرفت که آمریکا مایل به ورود و هزینه‌دهی برای آن نیست و این موضوع در تضاد با راهبرد کنونی آمریکا مبنی بر اجتناب از هرگونه درگیری مستقیم در یک جنگ است.

۴. در حال حاضر راهبرد آمریکا، تمرکز بر روی شرق است. آمریکا در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا با کمتر کردن حضور خود در غرب آسیا و کاهش هزینه‌های گزاف نظامی در این منطقه، تمرکز خود را بر شرق آسیا و مهار چین قرار دهد؛ به همین سبب هرگونه تنش میان ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه که به شکل اجتناب‌ناپذیر، آمریکایی‌ها را نیز درگیر خود خواهد کرد، انحراف آمریکا از راهبرد اصلی خود و به نفع چین خواهد بود.



یک اختلاف آشکار فکری و ساختاری از نظر سیاسی قرار داشت؛ به این دلیل، روی کار بودن دولتی همچون دولت کنونی رژیم صهیونیستی، در راستای منافع آمریکا در منطقه قلمداد نمی‌شود؛ به همین سبب، اینکه به جای عامل دخالت خارجی، یک عامل داخلی به نام نتانیاهو و سیاست‌های اشتباه و نابخردانه وی به عنوان عامل اصلی مشکلات کنونی در فلسطین معرفی و در نهایت سبب سقوط دولت راست‌گرای نتانیاهو شود، برای کاخ سفید و دولت بایدن مسئله چندان بدی به شمار نمی‌آید.

۵. دولت جو بایدن در آستانه انتخابات، تلاش خود را می‌کند تا بخشی از ناکامی‌های خود در عرصه سیاست خارجی را با رسیدن به یک توافق هسته‌ای با ایران جبران کند؛ بنابراین معرفی شدن ایران به عنوان عامل اصلی حملات علیه رژیم صهیونیستی، کار دولت جو بایدن برای مذاکرات و رسیدن به یک توافق جامع را سخت‌تر می‌کند. همان‌طور که بارها شنیده‌ایم، دولتمردان آمریکایی در حال حاضر، بهترین راه را در مقابل ایران، دیپلماسی می‌دانند، نه چیز دیگری.

۶. دولت جو بایدن از ابتدای روی کار آمدن دولت نتانیاهو، با دولت به شدت راست‌گرای بی‌بی، دارای